

مکمل ویدئو سیرت
عظیم حضرت
عظیم حضرت

Mahdaviat
in present time

the 5th
Meeting of reviewing existence
dimension of hazrat
Mahdi
(May God bless him)

امام مهدی و سیره نبوی

جواد محدثی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مهدی و سیره نبوی

جواد محدّثی

به سفارش

دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله فرجه

سرشناسه: جواد، محدثی، ۱۳۳۲
عنوان و پدید آوران: امام مهدی و سیره نبوی / جواد محدثی؛ به سفارش دبیرخانه
دائمی اجلاس حضرت مهدی (عج)
مشخصات نشر: قم: سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت
مهدی (عج)، ۱۳۸۵
مشخصات ظاهری: ۷۰ ص؛ ۱۹×۹/۵ س. م.
شابک: 964-2643-12-x
بها: ۷۰۰۰ ریال
یادداشت: فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.
یادداشت: کتابنامه: ص. [۶۹] - ۷۰ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع: محمد بن حسن (ع)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.-
موضوع: مهدویت
شناسه افزوده: اجلاس حضرت مهدی، دبیرخانه دائمی
رده بندی کنگره: BP ۲۲۴
نشانه اثر: ۸ الف ۳۴ م /
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابخانه ملی: ۲۰۶۷۶ - ۸۵ م

امام مهدی و سیره نبوی

مؤلف: جواد محدثی

تدوین / ناشر: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیه السلام

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۸۵

چاپخانه: نگارش

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

بها: ۷۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۲۶۴۳-۱۲-x

کلیه حقوق محفوظ می باشد.

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

کارشناسان ارزیابی: هیأت علمی دبیرخانه اجلاس؛

تدوین: سید جمال الدین شمس؛

مدیر هماهنگی و نظارت: مجید افشار؛ مدیر تولید و نشر: سید محمد باقی زاده؛

صفحه آرائی: فاضل چوبین النجفی؛ طرح جلد: هادی معزی.

فهرست مطالب

مقدمه	۹
سیره فردی	۱۵
سیره اجتماعی و حکومتی	۲۵
تبلیغ و تحکیم دین خدا	۲۶
احیای سنت نبوی	۲۸
نشر دانش و ترویج علم	۲۹
امنیت اجتماعی	۳۳
عدالت اقتصادی	۳۵
نفاق ستیزی	۳۹
پیروزی در سایه جهاد	۴۲
ظلم ستیزی	۴۸
اصلاح عقاید	۵۱
آمیزه مهر و قهر	۵۶

روایت عصر ظهور ۶۱

کتابنامه ۶۹

سلام بر موعود، پنجرهٔ روشنایی در عصر غیبت؛
سلام بر مهدی عجل الله فرجه، جلوهٔ دوبارهٔ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛
سلام بر قائم، ذخیرهٔ خدایی از خط اهل بیت؛
سلام بر روز ظهور، تجلی دوبارهٔ بعثت؛
سلام بر جامعهٔ مهدوی، تکرار مدنیت اسلام؛
سلام بر انتظار، فرهنگ تمهیدی شیعه؛
سلام بر منتظران، پای بندگان به بیعت نخستین؛
و... سلام بر یاران مهدی عجل الله فرجه، که در رکاب حضرت
حجت عجل الله فرجه، بار سنگین دولت کریمه را به دوش خواهند
کشید.

مقدمه

سال‌هاست که چشم تاریخ و نگاه مستضعفان، به افق انتظار دوخته شده است، تا روزی مردی بزرگ ظهور کند، با پشتوانه‌ای از نصرت الهی، تکیه زده بر کعبه مقدّس، فریادگر رهایی انسان‌ها، با رسالتی جهانی برای اصلاح و عدالت.

آن موعود عزیز و امید آفرین، از نسل پاک پیامبر خدا ﷺ و از تبار طیب امامان معصومین است، که مژده آمدنش را نسل در نسل شنیده‌ایم و چشم به دروازه سحر دوخته‌ایم و به ظهورش امید بسته‌ایم، تا با اقامه قسط و عدل جهانی، پایانی بر آلام بشریت مظلوم از سویی، و بر سلطه جباران ستمگر از سوی دیگر باشد.

این امید، ما را به زندگی امیدوار ساخته است، و این نوید، در ما انگیزه مقاومت و صبوری و تلاش و زمینه سازی پدید آورده است.

او را به عنوان پیشوایی می‌شناسیم که وعده‌های همه انبیاء را تحقق خواهد بخشید و عزت اهل ایمان و یکتاپرستان را و ذلت و زبونی منافقان و ظالمان و مستکبران را رقم خواهد زد.

در وجود او، تجسم دوباره حضرت رسول ﷺ را می‌بینیم و او را همانم و هم سیره و هم شمایل پیامبر خدا می‌شناسیم و حکومت جهانی او را مکمل دعوت خاتم رسولان و تجلی اهداف متعالی قرآن مبین می‌دانیم.

هر روز، به امید نزدیک‌تر شدن به افق آن دوران نورانی، چشم از خواب می‌گشاییم و هر هفته، جمعه‌ها را در انتظار آمدن اویم و چون غروب جمعه می‌رسد، حزنی سنگین بر دل‌ها می‌نشیند، که... این جمعه هم آمد و رفت و آن عزیز نیامد.

ای کرامت وجود!

باد غربتی که می‌وزد به کوچه‌های بی‌تو،

بوی مرگ می‌دهد.

بوی خستگی، فسردگی.

کوچه‌ها در انتظار یک نسیم روح بخش

یک پیام آشنا و دلنواز

سینه را گشوده‌اند

کوچه‌های ما همیشه عاشق تو بوده‌اند.

آنکه در پی تو نیست، کیست؟

آنکه بی بهانه تو زنده است، در کجاست؟^۱

ما در پی آنیم که عطر گل محمدی را از گل نرگس
ببوییم و سیره نورانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را در سیره و رفتار
مهدی موعود (بر اساس آنچه در روایات آمده است)
بجوئیم.

این همسانی و همسویی و همگونی سیره نبوی و
سیره مهدوی، نشان بارز آن است که این امام، وارث و
وصی همان پیامبر است و این وعده، از خاستگاه همان
بعثت مقدس سرچشمه گرفته و خط انتظار و ظهور، تداوم
خط بعثت محمدی است. و چرا چنین نباشد! که آن رسول
پاک فرمود:

القائم من ولدی، إسمه إسمی وکنیته کنیتی وشمائله
شمائلی و سنته سنتی، یقیم الناس علی ملتی وشریعتی
ویدعوهم إلی کتاب ربی...؛ قائم از فرزندان من است. نام
او نام من است، کنیه او کنیه من، شمایل او شمایل من و
سنت و روش او همچون روش من است. مردم را بر دین و
آیین من برپا می‌دارد و آنان را به کتاب پروردگارم (قرآن
کریم) فرا می‌خواند. هر که او را اطاعت کند مرا اطاعت
کرده و هر که او را نافرمانی کند مرا نافرمانی کرده است و

۱. بخشی از شعر دری به روی انتظار، از نویسنده؛ برگ و بار، ص ۱۲۲.

هر که در دوران غیبتش او را انکار کند، مرا انکار کرده است.^۱

و در کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل شده است:

أَلَا، إِنَّهُ أَشْبَهُ النَّاسِ خَلْقاً وَخُلُقاً وَحُسْناً بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛
آگاه باشید که او در خلقت و شمایل، در اخلاق و رفتار و در زیبایی و جمال، از همه به پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شبیه‌تر است.^۲

سخن از سیره رفتاری و حکومتی اولیای دین - از خاتم رسولان گرفته تا خاتم اوصیاء - تنها رفتارشناسی این انسان‌های والا نیست، بلکه ارائه مدل جهان‌داری و شیوه حکومت و معیارها و پایه‌های نظامی است که حقوق انسان‌ها را در همه ابعاد بشناسد و پاس دارد.

اگر مدعی آنیم که اسلام یک نظام جهانی و جاوید است و داعیه حکومت واحد جهانی بر مبنای عدالت و ارزشهای اخلاقی و حفظ کرامت انسانها را داریم و آیین متکی به وحی را پشتوانه آن می‌دانیم، چهارچوب و شاخصه‌های آن را در رفتار پیشوایانی از اهل بیت عصمت و طهارت می‌جوئیم که از سوی خداوند برای همگان

۱. منتخب الأثر، ص ۱۸۳.

۲. همان.

حجّت و اسوه معرفی شده‌اند و تبعیت از آنان تکلیفی اسلامی است.

اگر هدف بعثت انبیای الهی، قیام مردم به قسط است؛ ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۱، این هدف در جامعه آرمانی عصر ظهور کامل تر فراهم می‌آید و احیای عدالت در جهان، حیات بخشیدن به انسانها و زندگی آنهاست، چنانکه امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه ﴿يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾، پیام آیه را فراتر از تجدید حیات زمین با بارندگی دانسته و آن را در سایه حاکمیت مردانی الهی برشمرده که دادگری را حیات می‌بخشند و زمین را از رهگذر احیای عدالت، زنده می‌دارند. يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيُمِيزُونَ الْعَدْلَ، فَتُحْيِي الْأَرْضُ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ.^۲

و این آرزو و آرمان، تنها در عصر حکومت امام زمان علیه السلام دست یافتنی است. زیرا آن حضرت با عزمی استوار و روحی محمدی و حکمتی علوی و شوری حسینی، مشیت خدا را در زمین جامعه تحقق خواهد بخشید.

در نوشتاری که پیش رو دارید - بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام - مواردی از سیره نورانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را

۱. سوره حدید / آیه ۲۵.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۸۱.

که در دستور فعالیت‌های حضرت مهدی عج قرار دارد و در سیره مهدوی نیز نقل شده است، بررسی می‌کنیم. باشد که گامی کوچک در مسیر تبیین موضوع مهدویت و ترسیم شمّه‌ای از ابعاد وجودی حضرت مهدی عج به شمار آید. به امید آنکه با آشنا شدن نسبت به همسانی سیره نبوی و سیره مهدوی، ما نیز آن گونه عمل کنیم و دیگران را به این سنت نورانی فراخوانیم و از مومنان و زمین‌سازان آن دولت کریمه باشیم. ان شاء الله.

قم - جواد ممدنی

تابستان ۱۳۸۵

سیره فردی

حضرت رسول ﷺ به عنوان معیار چگونه زیستن و اسوه اخلاق و کمال، برای هر مسلمانی یک آیینه فضیلت نماست. قرآن کریم نیز او را اسوه معرفی نموده است:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾، برای شما در زندگی رسول خدا ﷺ، سرمشق نیکویی است.^۱

پیرو آن پیامبر، در شیوه رفتار خویش باید به این اسوه بنگرد و خود را با او تطبیق دهد. وقتی پیامبر اعظم ﷺ اسوه است، بهترین اسوه جو و اقتدا کننده به این سرمشق کمال، امامان معصوم خواهند بود که خلف صالح آن پیشوا و پویای راه آن پیغمبرند. از این رو در زندگی و شیوه عمل

حضرت مهدی عجل الله فرجه بهترین نمونه‌های این همسانی و همسویی را می‌توان یافت و اگر جز این باشد، جای پرسش است. چرا که اولیای الهی، گام جای گام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌گذارند و کمال خویش را در هر چه بیشتر شبیه بودن به آن حضرت در خلق و خوی و منش و روش می‌دانند و به این افتخار می‌کنند.

با توجه به این نکته، جلوه‌های متعدد تشابه سیره مهدوی و سیره محمدی را در روایات می‌بینیم. این شباهت در یک نگاه کلی در همه ابعاد وجودی و فضایل اخلاقی به گواهی پیامبر اعظم وجود دارد و آن حضرت، مهدی موعود عجل الله فرجه را شبیه‌ترین افراد به خود معرفی کرده است:

أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقاً وَ خُلُقاً؛ او شبیه‌ترین مردم به من است، در خلقت و اخلاق.^۱

در حدیث دیگری چنین آمده است:

التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي وَمَهْدِيُّ أُمَّتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِهِ؛ نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام، قائم خاندان من و مهدی امت من است. او شبیه‌ترین افراد است به من در شمایل و گفته‌ها و کردارش.

گرچه شباهت مهدی علیه السلام و پیامبر در شمایل و خلقت و سیمای ظاهری، جزو سیره او نیست تا در تبیین همسانی سیره امام زمان با پیامبر اکرم، به آن هم استدلال شود؛ لیکن در بسیاری از کتب مربوط به آن حضرت، آنچه را در شمایل مهدی آورده‌اند، اینست که او شباهت زیادی به سیمای نورانی حضرت محمد دارد و از این جهت نیز جالب توجه است. به یکی از این نقل‌ها که سیمای او را بر اساس روایات معتبر شیعه و اهل سنت ترسیم کرده است توجه کنید:

چهره‌اش گندمگون، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت و جذّاب، شانه‌اش پهن، دندان‌هایش براق و گشاده، بینی‌اش کشیده و زیبا، پیشانی‌اش بلند و تابنده، استخوان بندی‌اش استوار و صخره‌سان، دستان و انگشتانش درشت، گونه‌هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی - که از بیداری شب عارض شده - برگونه راستش خالی مشکین، عضلاتش پیچیده و محکم، موی سرش بر لاله گوش ریخته، اندامش متناسب و زیبا، هیأتش خوش منظر و رباینده، رخساره‌اش در هاله‌ای از شرم بزرگوارانه و غرق در شکوهمندی، قیافه‌اش از حشمت و شکوه رهبری سرشار، نگاهش دگرگون کننده، خروشش دریا سان و فریادش همه گیر است.^۱

۱. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۳۲.

و آیا جز این است که همهٔ این ویژگی‌های شکوه‌آفرین و جذاب و دلربا را در احادیث مربوط به شمایل حضرت محمد ﷺ نیز می‌بینیم.^۱

از همهٔ اینها گذشته، آن حضرت در اخلاق و رفتار و شیوهٔ زندگی و بُعد عبادی و تواضع و حلم و بزرگواری، سخاوت و بخشندگی، جمال و آراستگی، خوش رویی و خوشخویی، تهجد و خلوت شب و دعا و زمزمه با معبود، جهاد و تلاش روزانه و اشک و نیایش شبانه، عطوفت در برابر ضعیفان و محرومان و شدت نسبت به دشمنان و ستمگران - طبق حدیث یاد شدهٔ پیامبر - شبیه‌ترین افراد به جد بزرگوار خویش است.

هر چند آن حضرت ظهور نکرده است تا شیوهٔ رفتاری و حالات شخصی و سیرهٔ عملی او مشهود باشد؛ اما اگر خلق و خوی نبوی و مهدوی آینه‌ای مکرر است که در هر کدام، دیگری را می‌توان مشاهده کرد، مطالعهٔ سیرهٔ حضرت محمد ﷺ آینه‌ای است که اخلاق حضرت حجت را نشان می‌دهد.

روایات و نقل‌ها، امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها السلام را شبیه‌ترین افراد به پیامبر خدا معرفی می‌کند. همچنین

۱. برای آشنایی با شمایل آن حضرت ر. ک: سنن التیمی، علامه طباطبایی؛

مکارم الاخلاق، طبرسی؛ بحار الانوار، ج ۱۶.

علی اکبر علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام را. این نشانه آن است که شاخه‌های این شجره نورانی و میوه‌های این بوستان با صفا، همه از یک ریشه مقدس سیراب می‌شوند و طعم و رنگ و بو و جلوه آنان نیز شبیه هم است.

اگر در سیره فردی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نوشته‌اند که به نظافت بدن و آراستگی سر و روی و عطر زدن و مسواک می‌پرداخت، همیشه تبسم بر چهره داشت، به دیگران سلام می‌داد، در مجلس هر جایی که جا بود می‌نشست، اغلب رو به قبله می‌نشست، تا گرسنه نمی‌شد دست به غذا نمی‌برد و پیش از آنکه سیر شود دست از غذا می‌کشید، از بدگویی و بدزبانی دور بود، از مجادله و زورگویی پرهیز داشت، امین و با حیا و راستگو بود، به کودکان ملاحظت می‌کرد، نشست و برخاستش با نام خدا بود، متواضعانه بر هر مرکبی که فراهم بود سوار می‌شد و دیگری را هم سوار می‌کرد، در خانه به خدمتکار و همسرش کمک می‌کرد، از دیگران عیب جویی نمی‌کرد، حلیم و بردبار بود، جز برای خدا عصبانی نمی‌شد، شب‌ها را بایاد خدا به عبادت می‌پرداخت و از نماز سیر نمی‌شد، و نمونه‌های فراوان دیگر که در سیرت شخصی و اخلاق فردی و معاشرت او نوشته‌اند؛ همه این‌ها را می‌توان درباره حضرت مهدی علیه السلام هم متجلی دانست. چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود: او در خلقت و اخلاق، در رفتار و گفتار، شبیه‌ترین مردم به من است.

از میان همه صفات، ساده زیستی حضرت مهدی عجله الله بیشتر مطرح شده و در روایات به آن تصریح گردیده است. اندکی درباره این صفت توضیح می‌دهیم.

از مهمترین ویژگی‌های حضرت پیامبر در زندگی فردی، دوری از تجمل و پرهیز از زرق و برق دنیا بود و چون در مقام رهبری امت بود، بیشتر به این نکته توجه داشت. ساده زیستی آن حضرت که جلوه‌ای از زهد او بود، در خانه، غذا، لباس، مرکب و ابعاد دیگر معیشت جلوه‌گر بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، لباسی از جنس پنبه می‌پوشید، از جامه‌های بلندی که متکبران می‌پوشیدند پرهیز داشت. گاهی روی حصیر می‌خوابید، بی‌آنکه جز آن چیزی زیرش باشد.^۱ به ابوذر غفاری می‌فرمود:

ای اباذرا! من لباس خشن و سخت می‌پوشم، روی زمین می‌نشینم، انگشتانم را پس از غذا می‌لیسم، بر چهارپای بی‌زین سوار می‌شوم و کسی را در ردیف خود سوار نمی‌کنم، اینها از سنت‌های من است. هر کس از سنن من روی گردان شود از من نیست.^۲

۱. سنن النبی، ص ۱۲۳ و ۱۲۶.

۲. همان، ص ۱۳۱.

آن حضرت، عبایی داشت که چون می‌خواست نافله بخواند، آن را تا می‌کرد و زیر خود می‌انداخت.^۱ هرگز نسبت به جای خواب و رختخواب، عیب جویی و ایرادگیری نداشت. اگر بستر برایش می‌گسترده‌اند، بر آن می‌خوابید و اگر رختخوابی پهن نمی‌شد، روی زمین می‌خوابید؛ *إِنْ فَرَّشُوا لَهُ إِضْطَجَعَ وَإِنْ لَمْ يُفَرِّشْ لَهُ إِضْطَجَعَ عَلَى الْأَرْضِ*.^۲

روزی یکی از اصحاب خدمت آن حضرت رسید، در حالی که وی بر روی حصیری خفته بود و حصیر بر پهلوهای آن حضرت خط انداخته بود. گفت: یا رسول الله، کاش بستری گسترده بودید! حضرت فرمود:

دنیا را می‌خواهم چه کنم؟ مثل من و دنیا، مثل رهگذری است که در یک روز گرم، ساعتی از روز را زیر سایه درختی به استراحت پرداخته، سپس آنجا را وا گذاشته و رفته است.^۳

آن حضرت روی زمین می‌نشست، روی زمین غذا می‌خورد، مثل بندگان می‌نشست و همچون آنان غذا می‌خورد و می‌دانست که بنده است.

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷.

۲. محجة البيضاء، ج ۴، ص ۱۳۰.

۳. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۳۹.

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ الْعَبْدَ وَيَعْلَمُ
أَنَّهُ عَبْدٌ.^۱

از این نمونه‌ها که گویای پارسایی و ساده زیستی آن حضرت است، در مورد لباس و غذا و مسکن و زندگی بی تکلف و دل نبستن به علایق مادی بسیار است که به این چند نمونه اکتفا می‌شود. درباره زندگی ساده و پارسایانه حضرت مهدی عجل الله فرجه نیز احادیثی متعدد نقل شده است. ابوبصیر نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

چه عجله‌ای برای خروج و ظهور قائم دارید؟ به خدا سوگند، جامه او جز جامه زبر و خشن و غذای او جز نان جو نیست.^۲

از حضرت رضا علیه السلام درباره ساده زیستی حضرت قائم در لباس و غذا نقل شده است:

وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛ لِبَاسِ
قَائِمٍ، جَزْ جَامَةٌ خَشْنٌ وَ خَوْرَاكٌ أَوْ جَزْ غَدَايَ سَخْتٍ وَ
خَشَكٍ نَيْسْتِ.^۳

۱. المحاسن، برقی، ص ۴۵۶.

۲. منتخب الاثر، ص ۳۰۷، حدیث ۳.

۳. همان، ص ۳۰۷، حدیث ۱ و ۲.

به روایت یعقوب بن شعیب، امام صادق علیه السلام به او

فرمود:

آیا دوست داری پیراهنی را که حضرت قائم، هنگام ظهورش بر تن دارد به تو نشان دهم؟ گفتم: بسیار مایلم که آن را ببینم. حضرت صندوقچه‌ای را طلبید و آن را باز کرد و از داخل آن پیراهنی از جنس کلباس بیرون آورد و آن را باز کرد، در گوشه آستین چپ آن لکه خونی بود. امام فرمود: این پیراهن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است و در روزی که چهار دندان پیشین آن حضرت را در جنگ احد شکستند، آن را بر تن داشت و حضرت قائم در حالی که این پیراهن را بر تن دارد قیام می‌کند.^۱

زهد و ساده زیستی امیر مؤمنان مشهورتر از آن است که سیره حضرت مهدی در لباس، شبیه آن حضرت است که قیمت جامه‌اش گاهی چند درهم ناچیز بود. به فرموده امام صادق:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ، لَبَسَ عَلِيًّا وَسَارَ بِسِيرَتِهِ؛ هرگاه قائم ما قیام کند، لباس علی علیه السلام را می‌پوشد و به شیوه و سیره او عمل می‌کند.^۲

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۲.

۲. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۵۹، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۸.

ساده زیستی در امامان شیعه - به ویژه وقتی در
موقعیت حکومت و رهبری قرار می‌گیرند - یک سیره
متداول است و اوج آن در آغاز قیام امام زمان برای بسط
عدالت درجهان است و روش آن حضرت در ساده پوشی
اقتدا به روش حضرت علی علیه السلام است و روش علی علیه السلام هم
روش پیامبر خدا است.

سیره اجتماعی و حکومتی

مهم‌ترین بخش سیره آن حضرت که منطبق با سیره نبوی و در تداوم آن روش نورانی است، سیره اجتماعی و حکومتی حضرت است. چرا که نقش برجسته حضرت در این عالم، تشکیل حکومت جهانی بر مبنای قسط و عدل است و در کنار چنین دولت کریمه‌ای، ابعادی چون رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، امنیت عمومی، گسترش دانش، ارتقای شعور عمومی، عزت و اقتدار اهل ایمان، ذلت و زبونی کافران و منافقان، حاکمیت کلی قرآن در سراسر جهان، مساوات و برابری انسان‌ها، تعالی اخلاق و فضایل اخلاقی در بشر و... پدید خواهد آمد. همه این ارزش‌ها در چشم انداز حکومت اسلامی نبوی و سیره نورانی مصطفوی هم بود. لیکن آن رسول اعظم ﷺ با مشکلات و دشمنی‌ها و توطئه‌های بسیاری رو به رو بود

و اهداف رسالت را به نحو کامل و مستمر نتوانست تحقق بخشد. این چشم انداز روشن به نحو کامل و در گستره جهان به دست حضرت مهدی عج صورت خواهد پذیرفت و این وعده حتمی خداوند است.

اینک به برخی از مشترکات سیره نبوی و مهدوی در بُعد حکومتی و اجتماعی اشاره می شود:

تبلیغ و تحکیم دین خدا

رسول خدا ص پیام رسان پروردگار و مبلغ دین حق و تلاشگر برای اقامه مکتب وحی، و حاکم ساختن ارزش‌های توحیدی بود. خداوند هم او را برای همین هدف، مبعوث ساخته بود تا اسلام را دین غالب و حاکم سازد.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...﴾؛ اوست خدایی که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا این دین راستین را بر همه دین‌ها چیره و غالب سازد.^۱

دعوت و هدایت و جهاد و استقامت رسول خدا ص در طول ۲۳ سال، همه بر محور هدف یاد شده بود

۱. سوره توبه / آیه ۳۳؛ سوره فتح / آیه ۲۸؛ سوره صف / آیه ۹.

و توانست علاوه بر پیام‌رسانی شایسته، با تشکیل حکومت بر پایه دین و شریعت الهی، جامعه را در مسیر رهنمودهای وحی به پیش برد.

امام زمان علیه السلام نیز تداوم بخش همین برنامه است. هم به گونه‌ای شایسته، معارف اسلام و دین خدا را به همه جا می‌رساند و هم دولت کریمه او بر پایه قرآن استوار می‌گردد. از حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...﴾^۱ - که درباره کسانی است که اگر در روی زمین، خداوند قدرت و حکومتشان بخشد، نماز برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند - می‌فرماید:

این آیه در شأن مهدی و یاران او نازل شده است. خداوند به وسیله آنان دین خود را آشکار می‌سازد و حاکم می‌گرداند، به گونه‌ای که اثری از ستم و بدعت دیده نمی‌شود؛ هذه الآية لآل محمد والمهدی واصحابه يملكهم الله مشارق الأرض ومغاربها ويظهر الدين ويميت الله به وبأصحابه البدع والباطل كما ماتت السفهة الحق حتى لا يرى اثر الظلم.^۲

۱. سوره حج / آیه ۴۱.

۲. المحجة، سيد هاشم بحرانی، ص ۱۴۳.

احیای سنت نبوی

در روایات بسیار، سخن از احیای سنت و میراندن بدعت است. این نشان می‌دهد که چون سیره مهدوی منطبق بر سیره نبوی و در امتداد آن است، آنچه را که از سیره و سنت پیامبر خدا باگذشت زمان از یاد رفته، یا به دست متعذیان حریم دین، مورد تحریف و تغییر قرار گرفته است؛ در دولت امام زمان حیات مجدد می‌یابد و همان روش، دوباره زنده می‌شود تا آنجا که برخی می‌پندارند او دین جدید آورده است. به روایت امام صادق علیه السلام:

اِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَهَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دُثِرَ فَضْلُهُ عَنَّهُ الْجُمْهُورُ...؛ آنگاه که قائم عليه السلام قیام کند، مردم را دوباره به اسلام دعوت می‌کند و آنان را به امری هدایت می‌کند که پوشیده و پوسیده شده و مردم از آن گمراه شده‌اند.^۱

در واقع کار آن حضرت احیای نسبت به سنن فراموش شده پیامبر است. این هدف را حتی در آغاز خروج و ظهور هم رسماً اعلام می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

چون خداوند به قائم اذن خروج دهد، بر فراز منبر می‌رود و مردم را به خودش فرا می‌خواند و آنان را به خدا قسم

۱. ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۲۸۳.

می دهد و به حق او دعوت می کند و قول می دهد که در میان مردم به سیره و روش پیامبر خدا رفتار کند؛ و دَعَاهُمْ اِلَىٰ حَقِّهِ وَاَنْ يَّسِيرَ فِيهِمْ بِسِيْرَةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَيَعْمَلُ فِيْهِمْ بِعَمَلِهِ.

این احیاءگری نسبت به سنت حضرت رسول، نوعی همسانی و همسویی سیره مهدوی و سیره نبوی را می‌رساند و اینکه آن حضرت، محیی و مجدد همان شریعت است که پیامبر در راه آن می‌کوشید.^۱

نشر دانش و ترویج علم

بعثت پیامبر اعظم ﷺ با بخوان شروع شد و معجزه جاویدان آن حضرت کتاب بود، کتابی که معنای آن نیز خواندن است. یکی از سوره‌های قرآن کریم هم به نام قلم است و فلسفه بعثت حضرت محمد ﷺ در این کتاب آسمانی تزکیه و تعلیم معرفی شده است.

﴿وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾.^۲

قرآن یکی از معیارهای برتری انسان‌ها را علم می‌داند. رسول اکرم ﷺ همه تلاش خود را در این راه صرف کرد

۱. ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۳۸۲.

۲. سوره جمعه / آیه ۲.

که امت خویش را به علم و معرفت مسلح کند و با جهل بستیزد. او شرط آزادی برخی اسیران را در جنگ‌ها، آموختن سواد به بیسوادان قرار داد و هنگام حضور در مسجد مدینه، وقتی دو گروه را مشاهده کرد که یکی به عبادت مشغولند و دیگری به بحث علمی، به جمع اینان پیوست تا بر ارزش علم و جایگاه معرفت، تأکید ورزد. رسول خدا ﷺ ملاک ارزش انسان را دانش معرفی کرد و فرمود:

أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةٌ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا...؛ با ارزش‌ترین مردم،
داناترین آنان است.^۱

دانش را میراثی ارزنده معرفی فرمود که از رسولان
الهی بر جای می‌ماند.

الْعِلْمُ مِيرَاثِيٌّ وَمِيرَاثُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِيٌّ؛ علم و دانش، میراث
من و میراث پیامبران پیش از من است.^۲

دانشمندان نیز، در کلام حضرت رسول، به عنوان
وارثان پیامبران معرفی شده‌اند:

إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ.^۳

۱. معانی الأخبار، صدوق، ص ۱۹۵.

۲. العلم والحكمة في الكتاب والسنة، ص ۵۱.

۳. همان، ص ۳۴۶؛ کافی، ج ۱، ص ۳۴.

سخنان پیامبر در زمینه ارزش علم، مقام علما و فضیلت دانش گستران بیش از آن است که در این مختصر بگنجد. تلاش او در آگاه سازی امت و افزایش علم و معرف آنان نیز روشن است و به عنوان یک سیره روشن و افتخار آفرین مطرح است و امت او در طول قرون، عظیم ترین افتخارات علمی را آفریدند. مسلمانان در عرصه دانش، پیشتاز تمدن در جهان بودند و دنیای غرب، امروز مدیون علوم و دانشمندان اسلامی است.

این سیره نورانی در عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز با قوت هر چه تمام ادامه می یابد و به برکت دولت مهدوی، سطح آگاهی، معرفت و بصیرت مردم بسیار بالا می رود و رشد عقلی و کمالات علمی در اوج خود قرار می گیرد. چنانکه حضرت امیر علیه السلام فرمود: خداوند پیامبران خویش را فرستاد، تا عقل های دفن شده مردم را برانگیزند؛^۱ امام زمان عجل الله تعالی فرجه نیز دانش و فهم بشری را به کمال می رساند.

حضرت باقر العلوم علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بَعْضَ عُقُولِهِمْ وَأَكْمَلَ بَعْضَ آخِلَاقِهِمْ؛ هرگاه قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر بندگان می گذارد و بدین وسیله، خرده های آنان را متمرکز می سازد و اخلاق و عقل آنان را به کمال

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱ (لیشروا لهم دفائن العقول...).

می‌رساند.^۱

حضرت علی علیه السلام شور علمی دوران حضرت

مهدی علیه السلام را چنین ترسیم می‌فرماید:

گویا به شیعیان خود می‌نگرم که در مسجد کوفه خیمه‌ها

برافراشته‌اند و به مردم قرآن می‌آموزند.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آنچه

پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون

تنها با دو حرف آشنایند و چون قائم ما قیام کند، بیست و

پنج حرف دیگر را آشکار می‌کند و آن را میان مردم

گسترش می‌دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه ساخته و

مجموع بیست و هفت حرف را میان مردم منتشر

می‌کند.^۳

اینها جهت‌گیری علم‌گسترانه حکومت امام زمان علیه السلام را

می‌رساند که همان استمرار روش نبوی و سیره محمدی

است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶ (اخلاقهم، یا احلامهم).

۲. همان، ص ۳۵۲.

۳. همان، ص ۳۲۶.

امنیت اجتماعی

کرامت بخشیدن به انسان و تأمین امنیت او در جامعه، از اهداف مهم بعثت نبوی بود. در عصر جاهلیت، انسان کرامتی نداشت و مال و جان افراد حرمتی نداشت و ناامنی و غارت و دزدی حاکم بود؛ لیکن پیامبر خدا برای هر انسان و هر مسلمان حقوق و کرامتی معین ساخت و احترام مال و جان و ناموس او را لازم شمرد و بارها بر این احترام تأکید ورزید، حتی در آخرین خطبه‌ای که در غدیر خم خواند، آنرا یادآور شد.

حضرت علی علیه السلام در خطبه‌های نهج البلاغه، بارها از اوضاع جاهلیت پیش از بعثت و ناامنی و قتل و غارت و خوف و هراس و حکومت شمشیر و فرهنگ زور، سخن گفته و دستاوردهای مبارک بعثت نبوی را در ایجاد جامعه مدنی نبوی ترسیم نموده است.^۱

امنیت کامل و نهایی، وعده‌ای است که خداوند به مؤمنان صالح داده است، آن هم در دورانی که آنان را به حاکمیت و استخلاف در زمین برساند و دین الهی به قدرت برسد تا همه در سایه حکومت خدایی به امنیت کامل اجتماعی برسند و بی‌هراس خدا را بپرستند.^۲

۱. از جمله در خطبه ۸۹، ۹۵ و ۲۶ نهج البلاغه، صبحی صالح.

۲. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... وَلَيَبْدُلَنَّهُمْ مِّنْ بَغْيٍ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي...﴾

در روایات متعددی آمده است که این آیه درباره حضرت قائم و اصحاب اوست. مرحوم طبرسی پس از نقل آیه و اقوالی که در آن است، می‌افزاید:

آنچه از اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده است، آن است که این آیه درباره مهدی آل محمد است.^۱

حضرت علی علیه‌السلام در ترسیم امنیت عصر حضور می‌فرماید:

آنگاه که قائم قیام کند، کنیه‌ها از دل بندگان زدوده می‌شود و درندگان و چهارپایان با هم سازگار می‌شوند. امنیت تا حدی است که یک زن با همه زینت و زیور خویش از عراق تا شام می‌رود و از هیچ چیز نمی‌هراسد.^۲

وقتی حکومت بر پایه عدل و قسط، و شیوه آن حق محوری باشد، تحقق امنیت در آن حتمی است. چون دین خدا حاکم است، نه خواسته ارباب زور و زر و سلطه خودکامگان عدالت‌گریز و حق‌ستیز. این امنیت، هم امنیت اجتماعی است، هم اقتصادی، هم قضایی، و همه شئون امنیت. در سخنان پیامبر درباره آن دوران چنین آمده است:

۱. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲.

۲. منتخب الأثر، ص ۴۷۴.

خداوند، امر دین خود را به پایان می‌رساند به گونه‌ای که شخص سواره در شب از صناعاتا حضر الموت مسافرت می‌کند و جز خدا از کسی ترسی ندارد. حکومت مهدی علیه السلام به گونه‌ای است که دو زن، شبانه حرکت کرده مسافرت می‌کنند و از بی‌عدالتی و ستم‌هراسی ندارند.^۱

از این روست که مژده آمدن آن حضرت را نوید امن و امان دانسته‌اند و دوران حکومت او را عصر آشتی گرگ و میش نامیده‌اند. این به برکت امنیتی است که در سایه دولت عدالت محور آن حضرت پدید می‌آید و حقوق همگان محفوظ است و حرمت‌ها رعایت می‌شود و بی‌جهت به مال و جان و زندگی کسی تعرض نمی‌شود و شهروندان از احساس امنیت برخوردارند.

عدالت اقتصادی

عدل سنگ زیر بنای یک جامعه اسلامی است. دعوت خدا و رسول به عدالت، گواه این سخن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را به رعایت عدالت در همه امور فرا می‌خواند. از جمله در قلمرو اقتصاد و بهره‌مندی مردم از

۱. چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۹۱ (به نقل از المعجم

امکانات مادی به صورت یکسان و رسیدن هر کس به حق خویش.

رفتار آن حضرت نیز بر پایه عدل بود. حتی در مجلس به همه یکسان نگاه می‌کرد و سهم و حق هر کس را از نگاه خویش ادا می‌کرد. دعوت فقیر و غنی و برده و آزاد و دور و نزدیک را بطور یکسان قبول می‌کرد و تبعیضی میان آنان قائل نمی‌شد. در تقسیم غنائم جنگی، برخوردی عادلانه داشت. این سخن از آن حضرت است که:

وَاللّٰهُ لَا تَجِدُوْنَ بَعْدِيْ اَعْدَلًا عَلَيْكُمْ مِّنِّيْ؛ به خدا سوگند، پس از من کسی را دادگرترا از من نسبت به خود نمی‌یابید.

در اوصاف آن حضرت در روایات مناقب نیز واژه اَعْدَلُهُمْ (دادگرتترین مردم) دیده می‌شود. رفتار عادلانه پیامبر، براساس فرمان خداوند بود که:

﴿وَأَمْرٌ لِّأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ﴾؛ فرمان یافته‌ام که میان شما به عدالت رفتار کنم.^۱

در آیه دیگر نیز فرمان به قسط دیده می‌شود:

﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّيْ بِالْقِسْطِ﴾؛ بگو پروردگارم مرا به قسط

فرمان داده است.^۱

قسط و عدل، هم توصیه پیامبر به مردم بود، هم توصیه خداوند به آن رسول پاک، هم شیوه عملی و رفتاری او در جامعه.

از بارزترین شاخصه‌های حکومت مهدوی نیز برپایی قسط و عدل است و نوید برپایی دولتی بر پایه عدالت همه جانبه و قسط فراگیر، در صدها حدیث آمده است. همین پیامبر دادگر درباره آن موعود عدالت گستر فرموده است:

لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد ل طول الله ذلك الیوم حتی یبعث الله فیہ رجلا من ولدی یواطیء اسمہ اسمی، یملاها عدلاً وقسطاً کما ملئت ظلماً وجوراً؛ اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا آنکه مردی از فرزندان مرا برانگیزد که همنام من است، تا دنیا را پر از عدل و قسط سازد، آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد.^۲

این عدل و قسط، با ویژگی پر کردن جهان، شمول و فراگیری و گستردگی آن را در سطح جهان می‌رساند که

۱. سوره اعراف / آیه ۲۹.

۲. ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۳۴۰.

مکمل عدالت مصطفوی در عصر رسالت است.

در احادیث آمده که حضرت مهدی علیه السلام گنج‌های زیر زمین را استخراج می‌کند و اموال را میان مردم، به صورت یکسان تقسیم می‌کند.

اِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَانَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ
الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ؛ آنگاه که قائم ما قیام کند، بیت‌المال را
یکسان تقسیم می‌کند و در میان بندگان خدای رحمان به
عدالت رفتار می‌کند. چه نیکوکار باشند، چه بدکار.^۱

یعنی عدالت اقتصادی او در میان بشریت، چنان عام و فراگیر است که حتی خطا کاران هم از عدل او برخوردار می‌گردند. این همان مشی دین الهی است که از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله ترسیم شده و همگان را در برخورداری از مواهب طبیعی و ثروت‌های عمومی برابر دانسته و صاحب حق شمرده است. در دوران ظهور امام زمان، اصل مساوات و عدالت به کمال خود می‌رسد. به حدی مردم از مواهب برخوردار می‌شوند که دیگر شخص نیازمند زکات یافت نخواهد شد.^۲

در یکی از احادیث نبوی که بشارت به آمدن

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹، علل الشرایع، ص ۱۶۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

مهدی علیه السلام می‌دهد، حضرت رسول از قسط و عدل و برخورداری مردم از مواهب سخن می‌گوید و از اینکه آن موعود، مال را به صورت صحاح و درست تقسیم می‌کند. مردی پرسید: مقصود از صحاح چیست؟ حضرت فرمود:

السَّوِيَّةُ بَيْنَ النَّاسِ؛ تقسیم برابر میان مردم.^۱

اینگونه است که توازن اقتصادی پدید می‌آید و رفاه و بهزیستی در خانواده بزرگ بشری در سایه حکومت عدل مهدوی جلوه‌گر می‌شود.

نفاق ستیزی

از زشت‌ترین پدیده‌ها در میان امت اسلامی، بروز نفاق و حضور گروه منافقان است که نقاب اسلام و تدین به صورت می‌زنند، ولی در دل، عقیده و باوری نسبت به خدا و رسول و معاد و قرآن ندارند. از آنجا که ضربه نفاق بر پیکره امت بسیار شدید است، خداوند همواره منافقان را در آیات قرآن مذمت کرده و توطئه‌های آنان را به پیامبر خدا یادآور شده و به آن حضرت دستور داده تا هم مراقب تحرکات منافقان باشد، هم با آنان بجنگد. دستور پیکار با منافقان و کافران، در آیات متعددی آمده است. از جمله:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾؛

ای پیامبر! با کافران و منافقان بستیز و بر آنان سخت بگیر.^۱

رسول خدا ﷺ پیوسته درگیر توطئه‌ها و کار

شکنی‌های منافقان بود و به فرمان الهی با آنان درگیر می‌شد. مقابله آن حضرت با اهل نفاق، پس از هجرت به مدینه و در صحنه‌های جنگ احد و غزوه بنی المصطلق و جنگ تبوک و نبرد بنی قینقاع، جدی بود. حادثه مسجد ضرار و فرمان یافتن آن حضرت مبنی بر اینکه با این پایگاه منافقین - که به صورت مسجد ساخته بودند - مقابله و آن را تخریب کند، در قرآن کریم آمده است.^۲

این آفت خطرناک همواره در میان امت موحد بوده است و خواهد بود و هوشیاری مسلمانان را می‌طلبد تا از ورای چهره‌های ماسک زده، هویت منافقانه دشمنان دین را بشناسند و خود را از ضربه‌های نفاق، مصونیت بخشند. شیوه نفاق ستیزی حضرت رسول،^۳ در عصر ظهور حضرت حجت هم ادامه می‌یابد و امام مهدی عجل الله فرجه که با سالوس بازان

۱. سوره توبه / آیه ۷۳، سوره تحریم / آیه ۹.

۲. سوره توبه / آیات ۱۰۷ و ۱۰۸، کلاً سوره توبه راز افشای منافقین است.

۳. درباره برخورد آن حضرت با اهل نفاق، ر.ک: پیامبر و منافقین،

سرویس سعیدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

منافق رو به رو می‌شود، آنان را افشا و رسوا نموده و همچون جدش رسول خدا ﷺ با آنان می‌ستیزد تا ریشه آنان را بخشکاند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا﴾^۱ می‌فرماید:

خداوند، امانت‌هایی از مؤمنان را در صلب کافران و منافقان دارد. قائم ما ظهور نمی‌کند مگر آنکه آن امانت‌ها از صلب آنان بیرون آید و آن مؤمنان متولد شوند. آنگاه حضرت، کافران و منافقان را از بین می‌برد.^۲

آن حضرت در سخن دیگری می‌فرماید:

هنگامی که حضرت قائم قیام کند، نیازی ندارد که از شما یاری بطلبد. او نسبت به بسیاری از منافقان حدّ خدا را جاری می‌کند.^۳

در حدیثی طولانی از امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

وقتی قائم قیام کند، به کوفه می‌آید و در آنجا هر منافق اهل شک را می‌کشد و قصرهای منافقان را ویران می‌سازد و جنگاورانشان را به هلاکت می‌رساند، تا آنکه خدای

۱. سوره فتح / آیه ۲۵.

۲. المحجّة، بحرانی، ص ۲۰۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۳.

متعالم راضی شود.^۱

دوران امام مهدی عجل الله فرجه دوران ذلت و خواری منافقان است.

اللَّهُمَّ اِنَّا نرغبُ اليكَ في دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعزِّبُهَا الْإِسْلَامُ وَأَهْلُهُ
وَتُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ.^۲

در دعاهاى ديگر نيز درخواست هلاكت كافران و منافقان به دست آن حضرت ديده مى شود كه همه نشانگر تداوم سيرة نبوى در دولت مهديوى است، تا امتى يك دست و بي كينه و نفاق و مطيع خدا و عدالت خواه و پيرو قرآن فراهم آيد و بشريت، طعم حيات طيبه را در سايه ايمان واقعى و زندگى روحانى بچشد.

پيروزى در سايه جهاد

سنت خداوند، بر آن است كه مسلمانان در سايه صبر و مقاومت و جهاد، به عزت و پيروزى برسند. از اين رو فريضة جهاد در شرايع آسمانى قرار داده شده است. جهاد، چه به صورت دفاعى و در مقابل متجاوزان و ظالمان و چه به صورت ابتدايى و براى زدودن موانع

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۸.

۲. دعای افتتاح.

هدایت بشر و از سر راه برداشتن طاغوت‌ها و حکام طغیانگر، برای دستیابی مردم به ویژه مستضعفان بر حقوق خویش است.

رسول خدا ﷺ که پیامبر رحمت و مهرورزی نامیده شده است، اهل پیکار و جهاد هم بود و به فرمان خدا وارد خونین‌ترین معرکه‌های نبرد با ظالمان و کافران می‌شد، تا کلمه الله برتر شود و آیین نجات بخش خدا حاکم گردد و در سایه حکومت قرآن، مردم زندگی سعادت‌مندانه داشته باشند. قرآن کریم فرمان خدا را چنین آورده است:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾^۱
با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین همه و همه
دین برای خدا گردد.^۱

این آیه نشان می‌دهد که جهاد انبیا با دشمنان، نه آدم‌کشی و کشورگشایی؛ بلکه برای رفع فتنه از جهان و گسترش سایه دین الهی بر سر مردم بوده است و این جهاد نه خشونت، بلکه عین رحمت برای بشریت است. رسول خدا ﷺ که مظهر رحمت است و بعثت او برای تکمیل مکارم اخلاق است، در طول عمر بیش از هشتاد حرکت نظامی و جهاد و غزوه داشت و در مورد شمشیر جهادگران

که زمینه ساز برپایی قسط و عدالت در جامعه بشری است، می‌فرمود:

الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَتَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَلَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَالسُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ؛ تمام نیکی در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و مردم را جز شمشیر، راست و استوار نمی‌کند و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخ‌اند.^۱

از اینرو در صحنه‌های بدر و احد و احزاب و خیبر و حنین، با شرک و کفر و طغیان جنگید و بساط ظالمانه مشرکان و منافقان را در هم ریخت و جامعه عدل اسلامی را بر ویرانه‌های آن نظام جاهلی پدید آورد.

خط جهاد و مبارزه تا رسیدن به فتح و پیروزی، سیره نبوی بود و با آنکه آن حضرت از قدرت اعجاز برخوردار بود و تکیه‌گاهش قدرت خدای قهار بود و می‌توانست با آن نیروی فوق بشری مخالفان را نابود کند، اما با تلاش و مجاهدتی عادی راهی پیش پای بشریت نهاد تا عزت و کرامت خویش را در سایه جهاد و شمشیر به دست آورند و حفظ کنند. این روش در امت او ماندگار شد و هرگاه پیروان او صحنه جهاد را ترک کردند، دلیل شدند و هر جا که

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵.

قدرتمندانه مبارزه و جان نثاری کردند، به پیروزی رسیدند. حضرت مهدی عجل الله فرجه وارث همین سنت است و حرکت اصلاحی او در دنیا بر مبنای جهاد و استقامت است و قیام جهانی او هر چند بر پایه بصیرت بخشیدن و آگاهی و شوق مردم و پذیرش جهانی و عدالت موعود است؛ ولی جدا از برنامه جهاد با گردنکشان و یاغیان نیست.

در روایات متعددی که سنت‌های انبیای گذشته که در وجود حضرت مهدی عجل الله فرجه متجلی گشته است را برمی‌شمارد، شیوه او را همان شیوه رسول خدا می‌داند و آن عبارت است از قیام با شمشیر و قیام مسلحانه و جهاد در راه خدا. به این دو روایت توجه کنید:

وَأَمَّا سُنَّةُ مِنْ مُحَمَّدٍ فَيَهْتَدِي بِهَدَاهُ وَيَسِيرُ بِسِيرَتِهِ؛ روشی که از حضرت محمد، در امام زمان است، آن است که به هدایت او راه می‌یابد و با روش او رفتار می‌کند.^۱

وَأَمَّا سُنَّةُ مِنْ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله فَالسَّيْفُ، وَسُنَّةُ مِنْ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله فِي السَّيْفِ يَظْهَرُ بِهِ؛ روشی که او از حضرت محمد دارد، شمشیر است که با شمشیر به پیروزی می‌رسد.^۲

در این گونه روایات، حضرت مهدی وارث صفات

۱. منتخب الاثر، ص ۳۰۱.

۲. همان.

و ویژگی‌هایی از پیامبران گذشته همچون آدم، موسی، عیسی، یوسف، نوح، ابراهیم و ایوب معرفی شده که از هر یک از آنان سنتی در وجود اوست. او از حضرت محمد، شمشیر را دارد: **وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ**.^۱

همانگونه که حضرت رسول، در سایه جهاد با شمشیر، دشمنان خدا و عدالت را از سر راه توحید برداشت؛ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز در سایه همین جهاد - که کلید بهشت و رمز عزت است - به غلبه و حاکمیت دست خواهد یافت. البته با نصرت و امداد الهی که شامل جبهه حق می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید در قائم آل محمد، پنج شباهت به پنج نفر از پیامبران وجود دارد؛... اما شباهت او به پیامبر، جهاد مسلحانه است.

وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ رَسُولِهِ وَالْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِيتِ وَأَنَّهُ يُنْصَرُ بِالسَّيْفِ وَالرُّعْبِ...؛ شباهت او به جدش محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قیام با شمشیر (جهاد مسلحانه) است و کشتن دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا و جباران و طاغوت‌ها، و اینکه به وسیله شمشیر و رعب و هراس (که در دل دشمنان می‌افتد) یاری می‌شود.

۱. همان، ص ۳۰۰؛ کمال الدین، ص ۳۲۲.

بدیهی است آن حضرت، شمشیر انتقام گیرنده الهی است که بر سر جباران و ظالمان فرود می‌آید و اگر سخن از سلاح به میان می‌آید، بر علیه آنان است که سدی در مقابل حرکت آزادی بخش و عدالت گستر مهدوی هستند، نه کشتار مردم عادی.

همانگونه که اوضاع برای پیامبر خدا به راحتی و بی دردسر فراهم نشد، برای حضرت قائم نیز چنین است. گویا چنین نکته‌ای در ذهن یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام وجود داشته که از آن حضرت می‌پرسد: می‌گویند هرگاه مهدی علیه السلام قیام کند، کارها خود به خود برای او درست می‌شود و حتی به اندازه یک حجامت هم خونی ریخته نمی‌شود. حضرت در پاسخ می‌فرماید:

كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَاسْتَقَامَتْ
لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ أَدْمَيْتَ رِبَاعِيئَهُ وَتُبِحَّ فِي وَجْهِهِ، كَلَّا
وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى تَمْسَحَ نَحْنُ وَأَنْتُمْ الْعَرَقَ وَالْعَلَقَ
(ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ)؛ نه چنین نیست، سوگند به آنکه جانم در
دست اوست؛ اگر قرار بود کار برای کسی خود به خود
درست شود، برای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درست می‌شد،
آنگاه که دندان‌ش شکست و صورت و پیشانی‌اش
شکافت. نه، قسم به آنکه جانم در دست اوست، کار
درست نخواهد شد تا اینکه ما و شما در عرق و خون غرق

شویم. (کنایه از جهاد و تلاش سخت و طاقت فرسا است).^۱

یعنی پیروزی و غلبه، در سایه مجاهدتی سخت و جهادی خونین است و آن همه صحنه‌های درگیری در مناطق مختلف حجاز و شام و عراق و فلسطین و... که در روایات آمده است، گویای همین مطلب است.^۲ امام زمان نیز، فاتح جهان به روی حکمت و حکومت قرآن خواهد بود، با همان شیوه و سنت نبوی، یعنی پیروزی در سایه جهاد.

ظلم ستیزی

ظلم به مخلوقات، از کهن‌ترین جرائم بشری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که روحیه فتوت و جوانمردی و ظلم ستیزی داشت، نمی‌توانست شاهد تزییع حقوق دیگران باشد. پیش از بعثت در پیمان حلف الفضول عضو بود و به این عضویت در سال‌های پس از بعثت مباحثات می‌کرد. گروهی از جوانمردان مکه هم پیمان شدند که از مظلومین بی‌دفاع، در برابر حق‌کشان و ظالمان دفاع کنند. پیامبر نیز یکی از آنان بود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۲. ر.ک: عصر ظهور، علی کورانی.

اساس دعوت نبوی نیز، رفع ظلم از بشر بود. قرآن کریم از آن حضرت به عنوان پیامبری یاد می‌کند که مردم را به خوبی‌ها فرا می‌خواند و از بدی‌ها باز می‌دارد و بار سنگین را از دوش ستمدیدگان بر می‌دارد و غل و زنجیرهای اسارت را از دست و پای مستضعفان می‌گشاید:

﴿يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾^۱.

این هدف، جز بوسیله ستیز با جباران ستمگر دست یافتنی نیست. در سخنان دیگر آن حضرت، گفتن سخن حق در برابر حاکم ستمگر، برترین جهاد به شمار آمده است و ستمگران و یاوران آنان اهل آتش دوزخ محسوب شده‌اند و نیز فرموده است:

هر کس ظالمی را یاری کند، خداوند او را بروی مسلط می‌سازد.^۲

و این کلام نورانی که:

أَحْسَنُ الْعَدْلِ نُصْرَةُ الْمَظْلُومِ؛ بهترین عدالت، یاری مظلوم است.^۳

۱. سوره اعراف / آیه ۱۵۷.

۲. میزان الحکمه، ح ۱۱۴۷۹.

۳. همان، ح ۱۱۴۸۰.

در کلام دیگری به حمایت از مظلوم و ایستادن در مقابل ظلم ظالم تشویق می‌نماید.

إِذَا رَأَيْتَ مَظْلُومًا فَاعْنُهُ عَلَى الظَّالِمِ.^۱

سیاست ظلم ستیزی در مقیاسی بزرگ‌تر و جهانی، رسالت حضرت مهدی عجل الله فرجه است و در طول تاریخ، همه ستمدیدگان چشم به راه آمدن مصلحی هستند که انسان‌ها را از شر ستمگران رها سازد. امام رضا علیه السلام فرمود:

يُظَهِّرُ اللهُ بِه الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيَقْدِسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ؛
خداوند به وسیله او زمین را از هر جور و ستمی پاک و پیراسته می‌سازد.^۲

ای قبله قسط و کعبه عدل وی محور دین و روح قرآن
بازاً که جهان پر ز آشوب گیرد ز حکومت تو سامان
تا ریشه فتنه‌ها بخشکد تا عمر ستم رسد به پایان^۳
نویدی که اولیای دین داده‌اند و که با ظهور او همه گیتی پر
از عدالت خواهد شد، همانگونه که از ستم لبریز گشته
است؛^۴ جز از راه ظلم ستیزی در سطح جهان میسر

۱. همان، ح ۱۱۴۸۲.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.

۳. برگ و بار، ص ۱۲۰.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.

نخواهد شد؟

ظلم ستیزی امام زمان علیه السلام هم در عرصه محکمه‌ها و قضاوت‌هاست که با گماردن قضات عادل جلوی احکام ظالمانه را می‌گیرد، و هم در روابط اجتماعی مردم با یکدیگر است. او ستمگران را به کیفر می‌رساند و در سطح جهان با حکومت‌های ظالمانه می‌جنگد و آنان را شکست می‌دهد. امام علی علیه السلام در کلامی روش ظلم ستیزانه حضرت مهدی علیه السلام در ابعاد مختلف را این گونه ترسیم می‌نماید:

لَيَنْزَعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاةَ السُّوءِ، وَلَيَقْبِضَنَّ عَنْكُمْ الْمُرَاضِينَ،
وَلَيَعْزِلَنَّ عَنْكُمْ أُمَرَاءَ الْجَوْرِ، وَلَيُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ
غَاشٍ؛ امام مهدی علیه السلام قاضیان زشت کار را برکنار
می‌کند، دست سازش کاران را از سر شما کوتاه می‌سازد،
حکمرانان ستم پیشه را عزل می‌کند و زمین را از هر
نادرست خیانتکار پاک می‌سازد.^۱

اصلاح عقاید

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث شد تا انحرافات فکری و
گمراهی‌های اعتقادی را اصلاح کند و با درهم ریختن نظام
تفکر مشرکانه که در مردم جاهلیت بود، طرحی نو در اندازد

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

و ریشه شرک را بسوزاند.

همه پیامبران، از جمله خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله چون با افکار غلط رایج زمان خویش در افتادند و مشرکان موجودیت خویش را در سایه دعوت جدید در خطر دیدند؛ درگیری‌ها و مقابله‌ها به وجود می‌آمد. مهم‌ترین تحوّل جامعه در سایه بعثت، اصلاح اعتقادات از شرک به توحید و از کفر به ایمان و از ضلالت به هدایت بود و حیات جامعه در گرو رویکرد به باورهای ناب و بی‌انحراف، شکل می‌گرفت. امیرالمؤمنین علیه السلام در ترسیم اوضاع جاهلیت، به انحطاط فکری و اعتقادی مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید:

وَ اَنْتُمْ مَعَشَرَ الْعَرَبِ عَلٰی شَرِّ دِيْنٍ وَ فِیْ شَرِّ دَارٍ... الْأَصْنَامُ
فَیْکُمْ مَنْصُوبَةٌ؛ خداوند، محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان
بیم دهنده جهانیان و امین وحی فرستاد، در حالی که شما
جمع عرب، بدترین آیین و بدترین محیط زندگی را
داشتید... خون‌های خود را می‌ریختید، قطع رحم
می‌کردید، بت‌ها در میان شما بر پا بود و باگناهان
همبسته بودید.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله تحوّل در افکار و عقاید پدید آورد و نگاه مردم را به هستی، جامعه، انسان و دین عوض کرد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

آنچه حضرت مهدی علیه السلام انجام خواهد داد، در راستای همین روش و در تکمیل برنامه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود، به خصوص که با گذشت زمان، چهره راستین اسلام ناب، دستخوش تغییرات و تحریفات می‌شود و بدعت‌ها به جای سنت‌ها حاکم می‌شود و اصول اصلی دین از یادها می‌رود و تفسیر واقعی قرآن پنهان می‌ماند، به گونه‌ای که وقتی آن حضرت ظهور می‌کند، خیلی‌ها می‌پندارند دین جدید یا کتاب تازه و مرام نو آورده است و اساس فکری خیلی‌ها به هم می‌خورد. می‌توان گفت که جان تازه‌ای در پیکر دین دمیده می‌شود و اسلام دوباره آغاز می‌گردد.

امام باقر علیه السلام از جمله صفات مهدی علیه السلام را چنین بر می‌شمارد:

يَهْدِيْكُمْ مَا كَانَتْ قَبْلَهُ كَمَا هَدَى رَسُوْلُ اللهِ صلی الله علیه و آله أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ
وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيْدًا؛ او (امام مهدی) آنچه را پیش از او بوده درهم می‌ریزد، همان گونه که رسول خدا کار جاهلیت را درهم ریخت، اسلام را دوباره پدیدار می‌نماید.

همین مضمون از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

اِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرِ جَدِيْدٍ كَمَا دَعَا رَسُوْلُ اللهِ صلی الله علیه و آله فِي

بدء الاسلام إلى امرٍ جدید؛ قائم آنگاه که قیام کند، امر تازه‌ای می‌آورد، همانگونه که رسول خدا در آغاز اسلام، امر جدید و مرام تازه‌ای آورد.^۱

در واقع این نوآوری پرده برداری از چهره غبارگرفته اسلام محمدی است، نه آنکه دین تازه و قرآن جدیدی بیاورد. در دعاهایی که در مورد حضرت ولی عصر عجل الله فرجه آمده است این نکته فراوان دیده می‌شود. از جمله در دعایی که با اللهم وَصَلْ عَلَيَّ وَلِيَّكَ الْمُحِبِّي سُنَّتِكَ... آغاز می‌شود، از خداوند چنین می‌خواهیم:

خدایا، با وجود حضرت مهدی، آنچه را از دین تو محو شده، تجدید کن و آنچه از احکام قرآنت تغییر یافته، زنده گردان و آنچه را از حکم تو عوض شده است، آشکار ساز، تا آنکه دین تو به دستان آن عزیز، طراوت و تازگی و شادابی یابد و هیچ شک و شبهه و باطلی در آن وجود نداشته باشد و خالص و پیراسته از هر بدعت گردد.^۲

تحریف زدایی از دین و اصلاح باورها، از جمله کارهای عمده امام زمان خواهد بود، چنانکه سیره حضرت رسول چنین بود و در این راه، با مشقت‌ها و معارضه‌هایی هم

۱. المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۳۳۶.

۲. اللهم جدد بن ما امتحنى من دينك...؛ مفاتيح الجنان، اعمال روز جمعه، آخرین دعا.

مواجه خواهد شد. امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید:

آنگاه که قائم ما قیام کند، از جاهلان آخرالزمان برخورداردی بدتر خواهد دید از آنچه که جاهلان عصر جاهلیت با پیامبر خدا داشتند. چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی در میان مردم مبعوث شد که بت‌های تراشیده شده از سنگ و چوب را می پرستیدند اما قائم ما وقتی ظهور می کند که همه آن جاهلان، قرآن را بر ضد او تأویل می کنند و با استناد به قرآن به مخالفت با او می پردازند.^۱

همانگونه که حضرت رسول، آن تشتت فکری جاهلیت را به وحدت رساند و همه بر محور دین خدا گرد آمدند و امتی موحد پدید آمد؛ حضرت مهدی علیه السلام نیز با تبیین درست اسلام، همه تفرقه‌ها و تشتت‌های فکری و اعتقادی و صف آرای‌های فرقه‌ای و مسلکی را از بن می برد، و حتی شیعه را نیز با گرایش‌های گوناگونی که دارند، متحد و منسجم می سازد. امام علی علیه السلام در حدیثی از اختلافات فکری شیعه در آینده خبر می دهد و خیر را در آن دوره از آخرالزمان می داند و به مالک بن حمزه که از خیر بودن آن اوضاع متعجب می شود، می فرماید:

عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمُنَا... ثُمَّ يَجْمَعُهُمْ عَلَيَّ وَاحِدٍ؛ آنگاه

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۹۷ (ان قائلنا اذا قام استقبل من جهلة الناس...).

است که قائم ما قیام می‌کند و همه را بر یک فکر و مرام واحد، گرد می‌آورد.^۱

همیشه اختلافات فکری، نتیجه دور ماندن امت از حجت معصوم است. وقتی عصر ظهور و حضور فراهم شود و از زبان آن حجت الهی، خطوط اصلی دین ترسیم گردد، جامعه به وحدت فکری می‌رسد و اختلافات برچیده می‌شود، همانگونه که در عصر رسالت، مسلمانان دین را از زبان رسول خدا می‌آموختند و متحد بودند و هر اختلافی پیش آمد، پس از رحلت او و کنار گذاشتن حجت الهی بود.

آمیزه مهر و قهر

از آنجا که حضرت رسول ﷺ ادب شده پروردگار است،^۲ صفات و خصال خدایی هم دارد. یکی از این ویژگی‌ها، آمیختگی مهر و قهر و شدت و نرمش و رحمت و غلظت در اوست.

خدای متعال هم غفور و رحیم و مهربان است و هم قهار و شدیدالعذاب و ذوانتقام؛ در موضع رحمت و احسان، از همه مهربان‌تر و عطوف‌تر است و در جای خشم و انتقام، از همه سختگیرتر و شدیدالعقاب است.^۳

۱. همان، ص ۲۰۶.

۲. اذنبی ربی فاحسن ادبی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

۳. انک انت ارحم الراحمین فی موضع العفو والرحمه وأشد المعاقبین فی

این صفت در سیره پیامبر و یاران او نیز بود. به تعبیر قرآن کریم:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾، محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی
که با اویند، بر کافران سخت و شدیدند، ولی در میان
خود مهربان‌اند.^۱

پیامبر اعظم ﷺ با آنکه مظهر رحمت و اسعه الهی بود، و مهربانی، حلم، لطف، احسان، عفو، نرمش، مدارا، گذشت و بزرگواری از صفات برجسته و از عوامل موفقیت او در دعوت به اسلام بود؛ از سوی دیگر از شجاعت، قاطعیت، صلابت، پیکار شدید با مشرکان و منافقان، سخت‌گیری نسبت به معاندان و توطئه‌گران، قهر و شدت عمل در مقابل خائنان برخوردار بود و در طول ۲۳ سال تلاش پیامبرانه، صحنه‌های فراوانی از مهر و قهر آن حضرت به ثبت رسیده است.

خلف صالح او حضرت بقیة الله نیز که وارث مکارم عترت پاک است، همین‌گونه رفتار خواهد نمود. در روایات، از آن امام موعود با عنوان رحیماً بالمساکین و الرحمة

⇒ موضع النکال والنقمه؛ مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۱. سوره فتح / آیه ۲۹.

الواسعة یاد شده است. همچنین او شدیداً علی العمّال است، نه تنها نسبت به دشمن، بلکه بر کارگزاران حکومتی خویش هم سخت‌گیری و نظارت دقیق و حسابرسی خواهد داشت. هم ظالمان و کمک‌کنندگان به ظلم و زناکاران محصنه را از دم تیغ می‌گذرانند، هم وجودش مایهٔ آسودگی خاطر و دلخوشی اهل ایمان و صالحان است. هم یاورانش به فرمان او سلاح بر دوش همه جا را زیر پا می‌گذارند و از جباران و ستمگران انتقام می‌گیرند، هم عدالت او و یارانش به عمق همهٔ خانه‌ها خواهد رسید، آنگونه که سرما و گرما به خانه‌ها وارد می‌شود.^۱

احسان و عدل و لطف او چنان همه‌گیر و فراوان خواهد بود که مردگان آرزو می‌کنند کاش دوباره زنده شوند و از نعمت و رفاه و وسعت آن دوران بهره‌مند گردند. از سوی دیگر دشمنان خدا خوار می‌گردند، ظالمان درهم کوبیده می‌شوند، خانه‌های کفر و نفاق ویران می‌شود، سران گمراهی و بدعت و سردمداران باطل و فسق و جور، ریشه کن می‌گردند و زمین از لوٲ وجود مفسدان پاک می‌شود و اثری از آنان باقی نمی‌ماند. اینها همه مضمون روایات و دعاهایی است که دربارهٔ اوست.^۲

۱. اما والله، لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم، كما یدخل الحرّ والقرّ؛

بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۶۲.

۲. به مضامین دعای ندبه (این قاصم شوکة المعتدین، این هادم ابنیة الشرك

درشتی و نرمی به هم در به است

چو رگ زن که فساد و مرهم نه است^۱

از اصول تربیتی، همین بهره‌گیری به موقع از بیم و امید و قهر و نوازش و جذب و دفع است. جامعه در سایه مهر به جا و قهر به موقع، سامان می‌یابد و نیکان انگیزه تلاش و خدمت می‌یابند و بدان زمینه فساد را از دست می‌دهند.

به امید روزی که آن مهر سپهر امامت از افق انتظار برآید و دستی به مهر و قهر گشاید، مؤمنان را بنوازد و مستکبران را ریشه کن سازد.

ای مهدی، ای سلاله پاکان

ای آفتاب نیمه شعبان

ای مظهر عدالت موعود

معنای دین، تجسم قرآن

میراث دار خط شهادت

خونخواه کربلا و شهیدان

حق، در قیام قسط تو قائم

باطل زشوکت تو هراسان

﴿ والنفاق... ﴾ و دعا برای امام عصر (واقتل به جبابرة الکفر واقصم به

رؤوس الضلالة...) و دعا، زیارت‌ها، صلوات‌های مربوط به آن حضرت

رجوع شود.

۱. سعدی.

مستضعفان به مهر تو دلگرم

مستکبران ز مهر تو ترسان

بازاً که در حکومت عدلت

فرمانروا شوند ضعیفان

آشفته ساز، قدرت قیصر

ویرانه، کاخ خسرو و خاقان

دستی به انتقام برآور

دستی اگر ز مهر برافشان

بازاً که این جهان پر آشوب

گیرد به دستهای تو سامان

بازاً که هیچ فتنه نماند

بازاً که تا رها شود انسان

تا چشمه‌های اشک بخشکد

از چشم و چهره‌های یتیمان

تا غنچه‌های خنده بروید

بر ساحل لبان اسیران^۱

۱. از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۱۸.

روایت عصر ظهور^۱

آن روز، روز ظهور اسلام و دین، روز گسترش عدل و داد، روز احیای زمین و زمینیان از مرگ و تباهی است. مردم، مهدی علیه السلام را با نشانه‌های آرامش و وقار می‌شناسند، و به حلال شناسی و حرام شناسی‌اش، و به نیاز مردم به او و بی‌نیازی او از مردم. وقتی قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، منادی از آسمان، ظهور دولت یار را نوید می‌دهد و زوال سلطهٔ جباران را. از مکه ظهور می‌کند، پشت به خانهٔ کعبه داده، جهانیان را به حق فرا می‌خواند. نیکان و شایستگان، از همه جا ندایش را پاسخ می‌دهند و یارانش از شهرها و مناطق گوناگون، پیرامونش جمع می‌شوند. اصحابی که زاهدان

۱. مضمون این بخش، همه بر گرفته از متون و روایات دربارهٔ امام زمان و مهدویت است که چشم انداز آن دوران را نشان می‌دهد.

شبند و شیران روز، دل‌هایی استوار و فولادین دارند و با آن
امام - بین رکن و مقام - بیعت می‌کنند.

هر که اطاعت او کند، نجات یافته و رستگار می‌شود و
هر که تخلف و دشمنی کند نابود می‌گردد.

پرچمداران و لواء بر دوشان آن حضرت، صبح ظهور در
مکه حضورش می‌رسند. گویی که بر باد و ابر سوار شده
خود را به امام رسانده‌اند.

کارگزاران دولت وی، بر کافران سختگیر و شدیدند و در
راه خدا با دشمنان تا آنجا مبارزه می‌کنند که پروردگار
خشنود گردد.

یاران وی، اگر در زمین گمنام باشند، در آسمان شناخته
شده‌اند. توامندانی پاک و پارسا و مهذب و شیردلند و
استوار، نستوه‌تر از چکادها، اگر بخواهند کوهها را از جای
برکنند، می‌توانند!

آنان خدا را به شایسته‌ترین وجه، موخدا نه عبادت
می‌کنند. شبهایشان با چشمانی اشکبار است و دل‌هایشان
براساس محبت و نصیحت، و متحدند و یکپارچه.

سیصد و سیزده نفر اصحاب ویژه اویند که بر گفتن و
اجرای حق و حاکمیت اسلام بر می‌خیزند و در رکاب
مهدی عجل الله تعالی فرجه جهاد می‌کنند.

وقتی امام می‌آید؛ بیماران خوب می‌شوند، ضعیفان

قدرت می یابند، دلها استوار می گردد، و هر کس خود را به توان سیصد نفر می بیند.

آن روز ستمدیدگان جهان نفس راحت می کشند، شمشیر ایمان را بر گردن کفر می بینند و عزت و سربلندی را از آن خدا و مؤمنان.

آن روز، روز خلاص و نجات است. روز فتح بزرگ و پیروزی نهایی، روز حکومت صالحان و مستضعفان، روز استخراج گنج ها، روز فتح دیار شرک و سقوط پایگاه کفر. و... مهدی علیه السلام می آید؛ رایت اسلام در دست، زبور داوود در بر، مشعل هدایت در پیش، تابوت سکینه همراه، عصای موسی در کف.

او پرچم پیامبر را می گشاید، و سپاه رعب از هر طرف به یاریش می آید.

آن چهره های نورانی که با او بیعت می کنند، بیعت و پیمانشان بر این اساس است که:

دزدی و زنا نکنند. مسلمانی را دشنام ندهند. حاجی مُحرمی را نشکند و حریمی را نشکنند. بی جهت و ناروا، کسی را نزنند و وارد خانه ها نشوند. زر و سیم، و جو و گندم نیندوزند. مال یتیم نخورند. ندانسته شهادت ندهند. شراب ننوشند. مسجدی را ویران نسازند. با ابرایشم و طلا خود را نیارایند و لباس خشن بپوشند. راهزنی نکنند. راهها را

نامن نساژند. امر به معروف و نهی از منکر کنند. چهره بر خاک و سر بر بالین زمین بگذارند. در راه خدا به شایسته‌ترین صورت جهاد کنند.

این بیعت نامه آنان با امامشان است.

در دولت مهدوی، خدا تأییدکننده اوست. زمین برای او در نور دیده می‌شود، گنجینه‌های نهان برایش آشکار می‌گردد، و قدرت و سلطه‌اش شرق و غرب را فرا می‌گیرد. وقتی ظهور نماید؛ آثار محمد ﷺ را تبیین می‌کند و با سلاح، دشمنان خدا و دین خدا را به هلاکت می‌رساند. پهنه زمین را همانگونه که از ستم پر شده، از عدل و داد مملو می‌نماید. فرشتگان خدایی یاور اویند. جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، به جانبداری او وارد عمل می‌شوند و ملائکه خدمتگزار اویند.

هنگام ظهور، بر حجرالأسود تکیه می‌زند و دنیا را به دولت خویش دعوت می‌کند. از جمله سخنانش این است که می‌گوید:

من، باز مانده‌ای از آدم و ذخیره‌ای از نوح و برگزیده‌ای از ابراهیم و انتخاب شده‌ای از محمدم.

آنگاه مردم را به کتاب خدا و سنت رسول و ولایت فرا می‌خواند و از هر مسلمانی برای دفع باطل و احقاق حق یاری می‌طلبد. اولین آیه‌ای که بر زبان می‌آورد این است:

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ و می گوید: من بقیة اللهام و حجت خدا و خلیفة او بر شما.^۱

پس از اجابت مردم مکه، به یثرب می رود. دامنه دعوتش از حجاز به شام کشیده می شود و انقلابش در دمشق می شکفت. روز به روز بر پیروانش افزوده می گردد. چین و قسطنطنیه و روم را فتح می کند.

هنگام ظهور فرخنده اش، پس از آن غیبت طولانی که چشمی او را نمی دید؛ چشمی نمی ماند که او را نبیند. هر کس هر کجا که باشد، صدای او را می شنود و خود او را می بیند.

به سیره نبوی عمل می کند، زندگیش همچون علی علیه السلام است.

اسلام را بر کافران عرضه می کند. اگر پذیرفتند، به نماز و زکات مأمور می شوند، و گرنه کشته می شوند. بیعت با او، بیعت با خداست و دست خدا بالاترین دستهاست.

وقتی حکومت او بر پا شود، گرفتاری ها را بر طرف می کند، و پریشانی های دراز مدت پیروان را سامان می بخشد.

خوشا به حال کسی که آن دوره را ببیند.

در عصر او مؤمنان شادند و حق، حاکم، خوف و هراس از دل شیعیان برداشته می‌شود و خدا آن ترس را در دل دشمنان جایگزین می‌کند.

نامش پر آوازه و فرمانش نافذ و آشکار می‌گردد. اسلام رونق می‌گیرد. حق - بعد از آن افول طولانی - درخشان می‌شود. ظلمت‌ها کنار می‌رود. شهرها ایمن می‌شود. بندگان هدایت می‌یابند. ارکان باطل ویران می‌شود. سرهای گران می‌شکند. حيله‌ها به نیرنگ بازان برمی‌گردد. فاسقان حدّ می‌خورند. فرعون‌ها و طاغوت‌ها هلاک می‌شوند. پرچم‌های مخالفان سرنگون می‌گردد. نیزه‌ها شکسته می‌شود. نیروهای دشمنان از هم می‌پاشند. منبرها و تریبون‌های دروغ و خیانت به آتش کشیده می‌شود. بت‌ها(ی قدیم و جدید) خرد و شکسته می‌شود. قلعه‌ها و دژها باز گشوده می‌شود. و کاخ‌های به ناروا افراشته شده ویران می‌گردد.

وقتی ظهور می‌کند و به حق فرا می‌خواند؛ عده‌ای رو در رویش می‌ایستند و در این میان، شمشیر است که قاضی است. مخالفانش برخی مستکبرانند، برخی جاهلان و بی‌خردان، و برخی هم عالم‌نمایان هواپرست.

هر که مطیعش گردد، عزیز است و هر که با او درافتد

ذلیل می شود و خونس هدر است.

به بیت المقدس رفته، ذخایر انبیاء را بیرون می آورد.

به مصر می رود و زمین را با عدل، منور می سازد.

وقتی قیام کند، فروغش کره خاک را درخشان می کند.

میزان عدالت را میان مردم می نهد و دیگر کسی به

کسی ستم نمی کند...

اینهاست جلوه روزگار و سیمای جامعه و وضع مردم،

وقتی که آن فرزند رسول و وارث پیامبر و احیاگر سنت و

شریعت ظهور کند و جهان را به زیور قسط و عدل بیاراید.

اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ

لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَنَرَاهُ قَرِيباً.

برحمتك يا ارحم الراحمين^۱

* * *

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ارشاد، شیخ مفید، چاپ کنگره هزاره، قم.
۴. اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، شیخ حر عاملی، چاپخانه علمیه، قم.
۵. بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت.
۶. چشم اندازی به حکومت مهدی، نجم الدین طبسی، بوستان کتاب، قم.
۷. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران.
۸. سنن النبی، علامه طباطبائی، کتابفروشی اسلامی، قم.
۹. علل الشرایع، شیخ صدوق، کتابفروشی حیدریه، قم.
۱۰. العلم والحکمة فی الكتاب والسنة، محمدی ری شهری، دارالحديث، قم.

۱۱. الغيبة، نعمانی، کتابفروشی صدوق، تهران.

۱۲. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه،

تهران.

۱۳. کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، انتشارات اسلامی،

قم.

۱۴. مجمع البیان، طبرسی، کتابخانه مرعشی، قم.

۱۵. المحاسن، احمد بن خالد برقی، دارالکتب الاسلامیه،

قم.

۱۶. المحجّة، سید هاشم بحرانی، مؤسسة الوفاء، بیروت.

۱۷. المحجّة البيضاء، فیض کاشانی، انتشارات اسلامی،

قم.

۱۸. معانی الأخبار، شیخ صدوق، انتشارات اسلامی، قم.

۱۹. مفاتیح الجنان، محدث قمی، انتشارات اسوه.

۲۰. منتخب الأثر، لطف الله صافی گلپایگانی، مكتبة

الداوری، قم.

۲۱. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دارالحدیث، قم.

۲۲. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، داراحیاء التراث

العربی.